

نشانه شناسی شعری در نزد أحمد شاملو

استادیار دکترا

محمد مصلح مهدي صالح

وزارت آموزش عالی و پژوهش علمی - اداره تحقیق و توسعه

miraqmd78@gmail.com

السيمياء الشعرية عند أحمد شاملو

الاستاذ المساعد الدكتور

محمد مصلح مهدي صالح

وزارة التعليم العالي والبحث العلمي - دائرة البحث والتطوير

Poetic semiotics for Ahmed Shamlou

Assistant Professor Doctor

Muhammad Musleh Mahdi Saleh

Ministry of Higher Education and Scientific Research -

Research and Development Department

Abstract:-:

Through this research, we tried to shed light on the most important contemporary Iranian poet who was able to build a new style of poetry and establish a special curriculum for him, who worked with his ability to transmit a quality of contemporary Iranian poetry and spread it in international forums.

Shamlou was able to put contemporary Iranian poetry on Al Alamiah Avenue in a wonderful style, easy language and unique rhetoric.

Where the variety of topics of his poetry dealt with nature, including its beauty and images influenced by the use of plant symbols in Iranian and Islamic narratives and sometimes Christian, Greek, Roman and Jewish.

He dealt with the woman with her poetic symbolism, her delicate feelings, the beauty of her spirit and her luxury. He dealt with the mother as a steadfast fortress, and the wife as you, a discussion addressing the woman in her turn present in the social and emotional reality.

All this led to the depth of his poetic experience, which led to the production of a great literary heritage that enriched the Persian Library in him.

Key words: Poetry, semiotics, inclusive, cultural, study, new poetry

المخلص:

من خلال هذا البحث حاولنا أن نسلط الضوء على أهم شاعر إيراني معاصر استطاع بناء أسلوب جديد من الشعر وتأسيس منهج خاص له، عمل بمقدوره على نقله نوعيه للشعر الإيراني المعاصر ونشره في المحافل العالمية.

استطاع شاملو أن يضع الشعر الإيراني المعاصر على جادة العالمية بأسلوب رائع ولغة سهلة وبلاغة فريدة.

حيث تنوع موضوعات شعره فتناول الطبيعة بما فيها من جمال وصور متأثر باستخدام الرموز النباتية بالروايات الإيرانية والإسلامية وأحياناً المسيحية واليونانية أو الرومانية واليهودية.

وتناول المرأة برمزية لها الشعاعية واحاسيسها المرهقه و جمال روحها وترافقتها، فتناول الأم بوصفها قلعة صامدة، والزوجة بأن لها أنت، بحث خاطب المرأة بدورها الحاضر في الواقع الاجتماعي والعاطفي.

وكل هذا أدى الى عمق تجربته الشعرية التي أدت الى إنتاج تراث أدبي كبير أترى المكتبة الفارسية فيه.

الكلمات المفتاحية: الشعر، السيميائية، الجامع، الثقافي، الدراسة، الشعر الجديد.

چکیده:-

از طریق این تحقیق تلاش کردیم نگاهی به مهم‌ترین شاعر عصر معاصر ایران بیاندازیم که توانست نوع جدیدی از شعر را بنا و روش خاصی برای آن ابداع کند، همچنین با توانایی بالای خود در شاعری توانست یک جهش بزرگ در شعر معاصر ایران ایجاد کند.

وشاملو راه را برای انتشار بسیاری از آثار شعری فارسی در محافل و مجالس بین المللی باز کرد، همچنین توانست شعر معاصر ایران را با اسلوبی زیبا و زبانی آسان و بلاغتی منحصر به فرد بر جاده جهانی شعر سوار کند.

وی با بیان زیبایی‌ها و تصاویر طبیعت متأثر از نمادهای گیاهی در رمان‌های ایران، اسلام، مسیحیت، یونان، روم و یهود، موضوعات شعری متنوعی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

زن را با نمادگرایی شاعرانه‌اش، احساسات ناب و زیبایی روحش، مادر را به عنوان قلعه‌ای استوار، همسر را به عنوان شریک زندگی و نقش مهمش در واقعیت اجتماعی مخاطب قرار می‌دهد، همه این مسائل باعث شد که تجربه شعری شاملو کتابخانه ادبیات فارسی را غنی‌تر کند و میراث ادبی بزرگی پس از وی برجای بماند.

کلید واژگان: شعر، نشانه‌شناسی، شاملو، فرهنگی، بررسی، شعر جدید.

مقدمه:

توالی تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران عرصه را برای ایجاد تغییرات اساسی و ریشه‌ای در صورت و فرم شعر فارسی فراهم کرد، همزمان نیز محتوای شعر به طور اساسی دگرگون می‌شد و خود را با تحولات اجتماعی و فرهنگی همراه می‌کرد، همین مساله موجب شد راه برای شعری که تحول و توسعه زندگی اجتماعی را در شعر خود منعکس می‌کردند هموار شود.

بار دیگر و با احساس نیاز به ضرورت تحول اساسی در شعر، موضوع سنت و مدرنیسم مطرح شد و محافظه کاران با تشخیص این مساله شتافتند تا با ضد هجومی علیه مدرنیسم، موضوعات جدیدی را در قالب‌های سنتی مطرح کنند، اما این تلاش‌های فرمی یا صوری نتوانست عطش علاقمندان مدرنیسم و تجدید را رفع کند به علاوه اینکه روابط با اروپا و فراگیری زبان‌های خارجی و آشنایی با ادبیات‌های غربی باعث می‌شد شعر از محدودیت‌های دست و پاگیر کلاسیک و ادبیات سنتی رها شود.

در طریق مدرنیسم نه فقط باید از الفاظ و عبارات جدیدی استفاده کرد بلکه باید رویکرد و دیدگاه شعری را نو و حدیث کرد، در شعر جدید، کلمه حتی معنای جدیدی پیدا می‌کند، همانطور که سهراب سپهری در قصیده صدای پای آب می‌گوید: چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید، واژه‌ها را باید شست، واژه باید خود باد، واژه باید خود باران باشد.^(۱)

این تحول و دگرگونی میان قدیم و جدید، سنت و مدرنیسم، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است و چالش‌های فراوانی میان داعیان مدرنیسم و محافظه کاری شکل گرفت و این مسئله موجب ظهور و پیدایش طبقه‌ای از شعرا شد که بر گفتمان مدرنیسم تأثیر مهمی گذاشت و جوانان و به طور خاص مشتاقان مدرنیسم به اشعار و ادبیات این پدیده علاقه زیادی نشان دادند و ادبیات آن را می‌خواندند.

احمد شاملو را می‌توان از شعرای بزرگ عصر معاصر و عماد و ستون پدیده مدرنیسم در ایران دانست، وی با تلاش‌هایش قالب و چارچوب جدیدی برای شعر معاصر ترسیم و جهت قطب نمای مدرنیسم را تعیین کرد، شاملو تصویری جدید و متفاوت با تصویری که شعر را به خیال در خود جذب می‌کرد ارائه داد، تصویر جدید شاملو به شعرای نسل آینده و پرچمداران مکتب نوگرایی کمک می‌کند که شعری که اشعار خود را در دیوان‌های جهانی شعر معاصر به نمایش بگذارند.

احمد شاملو:

احمد شاملو سال ۱۹۲۵ میلادی در تهران متولد شد، وی همراه پدرش به غالب مناطق ایران سفر کرد، پدر وی از کودکی در عرصه نظامی^(۲) فعالیت داشت، همین

مسئله باعث شد که تحصیل ابتدایی و دبیرستان شاملو نامنظم گذرانده شود.^(۳)

در سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ همزمان با اشغال ایران از سوی شوروی در خلال جنگ جهانی دوم، شاملو سه مرتبه به زندان های شوروی فرستاده شد، وی از مبارزان ضد اشغالگری شوروی به شمار می رفت و شعر را سلاح ملت^(۴) می دانست، «چه خاصیت که آدم سایه یک ابر باشد»^(۵). شاملو زبان روسی را در زندان آموخت^(۶) و تجربه زندان بسیاری از افکار وی را تغییر داد و او را به یک شاعر کمونیست چپ تبدیل کرد و سپس به حزب توده^(۷) با گرایش کمونیست در ایران^(۸) پیوست.

با این وجود که تحصیلات دوره دبیرستان خود را به پایان نرسانده بود، در زمینه روزنامه نگاری فعالیت می کرد و چندین روزنامه فرهنگی نیز تاسیس کرد و سردبیری برخی از مجله ها را پذیرفت، غالباً به نوشتن و سرودن شعر مشغول بود، در کارنامه هنری وی همچنین گویندگی رادیو و قصه خوانی برای کودکان نیز دیده می شود^(۹)، وی کاست های بسیاری را با صدای خود شامل شعرهای کلاسیک و شعر خود ضبط کرد و ده ها آثار ادبیات غرب از جمله رمان ها، نمایشنامه ها و مجموعه های شعری و بسیاری از آثار ژاک پرور، پل الوار، ناظم حکمت، بوریس پاسترناک، فدریکو گارسیا لورکا و لنگستون هیوز را ترجمه کرد، شاملو نخستین کسی به شمار می رود که این آثار را به خوانندگان ایرانی معرفی کرد.^(۱۰)

در سال ۱۹۵۰ به عنوان رایزن فرهنگی ایران در سفارت مجارستان فعالیت می کرد و زبان ترکی را نیز آموخت سپس شروع به نوشتن قصه های کوتاه کرد.^(۱۱)

شاملو با بیماری قند دست و پنجه نرم می کرد، وی ساق پای راست خود را در یک عملیات جراحی برای انبساط رگ های خونی از دست داد و در سال ۲۰۰۰ میلادی در تهران درگذشت.^(۱۲)

در خصوص آثار شاملو، نخستین مجموعه شعری وی در سال ۱۹۴۷ با نام "آهنگ های فراموش شده"^(۱۳) منتشر گردید و پس از آن نیز ۱۸ مجموعه شعری دیگر از وی منتشر گردید؛

"آهن‌ها و احساس" ۱۹۴۷، "بیست و سه" ۱۹۴۸، "قطعه‌نامه" ۱۹۵۱، "هوای تازه" ۱۹۵۷، "باغ آینه" ۱۹۵۹، "آیدا در آینه" ۱۹۶۴، "لحظه‌ها و همیشه" ۱۹۶۸، "برگزیده اشعار" ۱۹۶۸، "مرثیه‌های خاک" ۱۹۶۹، "برگزیده شعرها" ۱۹۷۰، "شکفتن در مه" ۱۹۷۰، "ابراهیم در آتش" ۱۹۷۳، "دشنه در دیس" ۱۹۷۳، "ترانه‌های کوچک غربت" ۱۹۸۰. (۱۴)

وی در سال ۱۹۷۳ به عنوان شاعر سال انتخاب و جایزه فرهنگی "قروغ فرخزاد" را از آن خود کرد. (۱۵)

همچنین برنامه‌های رادیویی بسیار را کارگردانی و قصه‌ها و نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌های بسیاری را تالیف کرده است و همچنین در حوزه سناریو نویسی برای ساخت مستند نیز فعالیت داشت و در خصوص موضوعات مختلفی از جمله فولکلور ایران سناریو نوشت و حتی برخی از مستندها را کارگردانی کرد، شاملو در مورد شعرای کلاسیک ایران نیز تحقیقات بسیاری انجام داد و کتابی درباره مورد آموزش قواعد زبان فارسی و یک فرهنگ لغت برای اصطلاحات عامیانه با عنوان "واژه‌کوچه" (۱۶) تالیف کرد که ده جز از آن تالیف شده و یک جزء بزرگ آن هنوز منتشر نشده است. (۱۷)

وی برای ارائه کنفرانس دانشگاهی به عنوان استاد به چندین کشور اروپایی و آمریکایی سفر کرد و شب‌های شعری بسیاری به افتخار وی برگزار گردید، همچنین او نیز شب‌های شعری برای شاعران بزرگ دنیا برگزار کرد (۱۸) و همچنین به عضویت مجمع زبان فارسی درآمد.

آثار وی به زبان‌های مختلفی از جمله آلمانی، اسپانیایی، سوئدی و ژاپنی و دیگر زبان‌های زنده ترجمه شده است.

شعر شاملو:

عشق و غزل و جامعه و سیاست محور شعر شاملو می‌باشد، می‌توان گفت شعر وی در دو محور جدا و روبروی هم قرار می‌گیرد، زبان شعری شاملو حماسه و هیجان

است، مضامین مختلفی را در شعر وی می‌بینیم به همین خاطر نمی‌توان همه موضوعات شعری شاملو را در یک ظرف جمع کرد.

برخی از اشکال‌هایی که به شعر شاملو وارد کرده‌اند، عبارتند از: (۱۹)

در نخستین تجربه شعری خود وزن را بسیار سهل‌پنداشت و برای سلطه شعری اهمیت چندانی قائل نشد و همین مسئله موجب شد شعرش سرشار از خطاهای زبانی شایع شود.

در بیشتر آثار شعری شاملو رنگ و بویی از دنیای خاص خود شاعر احساس نمی‌شود.

در آثار شعری شاملو کم‌نیستند اشعاری که در ساختار خود از انسجام ساختاری مناسبی برخوردار نیستند.

شاملو معتقد بود رویکردها و دیدگاه‌های آینده‌نگرانه شعر که ریشه در شرایط روانی دارد و شامل معانی زیبایی می‌باشد که فقط منحصر به ادبیات فارسی نمی‌باشد بلکه کل فرهنگ انسانی را دربرمی‌گیرد به طوریکه این دیدگاه‌ها ما را به سوی آینده‌ای زیباتر و فردایی بهتر راهنمایی می‌کند، شاملو بر این باور بود که بیراه نیست اگر بگوییم شاعری برای شاعر به معنای انتظار و رویکرد به سوی آینده است. (۲۰)

وی همچنین به این مساله استناد می‌کند که آثار زیبا و ارزشمند ادبی نتیجه همین رویکرد به سوی آینده می‌باشد. (۲۱) و می‌گوید: (۲۲)

آنچه می‌بینم نمی‌خواهم آنچه می‌خواهم نمی‌بینم

شعر به مثابه زندگی‌ای است که انسان در آن عشق و امید (۲۳) را جستجو می‌کند و انسان پژوهشگر شاعر را در برابر خود همچون آینه‌ای صاف (۲۴) می‌بیند که می‌تواند از طریق تصویری که شاعر به وی از آینده ارائه می‌کند، چهره‌ای درخشان برای خود ترسیم کند. (۲۵)

متن:

اگر شعر زندگی است

ما در تک سیاه‌ترین آیه‌های آن

گرمای آفتابی عشق و امید را احساس می‌کنیم

بنابراین انسان می‌تواند با شعر امید خود را باز پس گیرد همانطور که شعر قلب‌ها را خوشحال و چشم‌ها را نسبت به حوادثی که در اطراف رخ می‌دهد باز می‌کند. (۲۶)

او شعر می‌نویسد / یعنی / او قلبهای سرد و تهی مانده را زشوق

سرشار می‌کند / یعنی / او رو به صبح طالع، چشمان خفته را بیدار می‌کند (۲۷)

امواج شعری شاملو هر از گاهی خروش می‌کرد، آنچه شاملو را از دیگر شعرا متمایز می‌کرد همین فوران‌های شعری شاملو بود او شاعری بود که علیه پدیده‌های شناخته شده طغیان کرد (۲۸) و این طغیان شاعر را به انتقاد از انسان و رفتارش در جامعه واداشت، طبیعی است که شاعر انسان و رفتارش در جامعه را به باد انتقاد بگیرد (۲۹)، بنابراین دور از ذهن نیست که شاعر در شعر خود به عنوان یک منتقد اجتماعی ظاهر شود. (۳۰) «در این صورت است که گرایش به انسان یا عظمت انسانی موضوعی اصلی در شعر باقی می‌ماند و نجات و رهایی‌سلاحی است که انسان باید برای ورود به میدان نبرد و مبارزه بدان مسلح شود.» (۳۱)

شاملو بر این باور است که قافیه خون شعر است، طوری که بافت شعر باید به سمت مبارزه علیه فساد و شر برود و شعری که از دهانی به دهان دیگر منتقل می‌شود باید برای ایجاد تغییر در تاریخ به قلب آن هجوم ببرد تا تاریخی جدید بسازد. (۳۲)

متن:

شعری با سه دهان، صد دهان، سیصد هزار دهان

شعری با قافیه‌ی خون با کلمه‌ی انسان

شعری که راه می‌رود، می‌افتد، برمی‌خیزد، می‌شتابد

وبه سرعت انفجار یک سخن در لحظه ی زیست

راه می رود بر تاریخ ، وبر اندونزی ، برایران

ومی چون خون در قلب تاریخ ، در قلب آبادان

انسان ، انسان ، انسان^(۳۳)

شاملو معتقد بود شعرایی که در راه باور و اعتقاد خود قربانی می شوند شهادتی محسوب می شوند که همچون پرنده ای قربانی شده اند چرا که شاعر در برابر جامعه خود احساس مسئولیت می کند و با سلاح شعر با ظلم و ظالم مبارزه می کند.

متن:

جنگل آینه فرو ریخت

ورسوزن خسته به تبار شهیدان پیوستند

چون کبوتران آزاد پروازی که به دست غلامان ذبح می شوند^(۳۴)

شاملو شعرش را بر پایه تقابل دو رویکرد بنا نهاد؛ اول دیدگاه تخیلی شعرای کلاسیک و دوم رویکرد واقع گرایانه شعرای معاصر که در جراحی ها و نماد سرخ متجلی می شود.^(۳۵)

شاملو باور داشت که درون شاعر نمی تواند در برابر آنچه که در اطرافش رخ می دهد سکوت اختیار کند زیرا او میان مردم زندگی می کند و علاوه بر این تفکر شاعر همچون ستاره ای نورانی و هدایتگر می باشد و انسانی که در جستجوی راهی برای خروج از تاریکی و ظلمت می باشد آزادی و عشق را در سخت ترین و تیره و تاریک ترین شرایط فراموش نمی کند.^(۳۶) شاملو شعر را راه نجات و رهایی انسان از مردابی که در آن اسیر شده می داند.^(۳۷)

شعر شاملو در نزد منتقدین و ادبا:

شعر شاملو تاثیر بسیاری در ایران و خارج از آن گذاشت، منتقدان با بررسی آثار

شاملو، وی را در زمره چهار شاعری می‌دانند که مکتب شعر نو در ایران بر پایه آثار آنان بنیان نهاده شده است. مهدی اخوان ثالث^(۳۸)، سهراب سپهری^(۳۹) و فروغ فرخزاد^(۴۰) به همراه شاملو را می‌توان پس از نیما یوشیج^(۴۱) موسس شعر آزاد در ایران معرفی کرد.^(۴۲)

نام شاملو طی پنج دهه گذشته برجسته‌ترین نام در عرصه ادبیات ایران باقی مانده است، آثار شاملو، دواوین وی، ترجمه‌ها و پژوهش‌های فرهنگی و ادبی شاملو در فولکلور و میراث ایران، کتابخانه ادبیات فارسی را غنی و پربار کرد.^(۴۳)

شاملو بت شکن شعر در ایران به شمار می‌رود چرا که شعرای بزرگ تاریخ ایران از انتقادات وی در امان نماندند و برای مثال، سعدی شیرازی را به علت موضعش درباره زن و فردوسی را به خاطر مغالطه تاریخی در داستان کاوه آهنگر و ضحاک به باد انتقاد گرفت که همین مسئله سبب تحریک متعصبان فرهنگ ملی ایران علیه شاملو شد.^(۴۴)

عده‌ای از پژوهشگران نیز معتقدند اگر شاملو نبود شعر فارسی معاصر به دنیا شناسانده نمی‌شد.

«خواننده شعر شاملو، جرأت و دقت در کاربرد کلمات در اشعار وی را می‌بیند زبان شاملو ساده و زنده و صریح می‌است و تعابیر متداول بسیاری در شعر وی به کار رفته است، اما با این وجود به اشیاء در شعر نیز نگاهی دارد و طوری در کلامش سحر می‌کند که فراموش می‌کند به جلو پیش رود، او خود را در قعر مفاهیم می‌اندازد تا آرام بگیرد.»^(۴۵) فروغ فرخزاد اینگونه شاملو را وصف کرده است، همچنین مهدی اخوان ثالث در مورد او می‌گوید: «شاملو از بهترین شعرای ایران و قویترین آنان بعد از نیما به شمار می‌رود.»^(۴۶)

همچنین سید مهدی زرقانی منتقد برجسته ایران این گونه در مورد وی گوید: «شاعر دیگری مانند شاملو نمی‌شناسم که به شعر فارسی معاصر اینگونه هویت بخشیده باشد.»^(۴۷)

کلمات مرتبط با طبیعت در عناوین شعری شاملو در کنار دیگر عناوین شعر مانند غزل و رثا بسیار پر تکرار هستند، واژه شب از پر تکرار ترین کلمات مرتبط با طبیعت در

عناوین شعری وی می‌باشد^(۴۸) مانند قصیده شبگیر که به ظلم و استبداد در نظام حاکم ایران قبل از انقلاب اسلامی اشاره می‌کند، شاملو با تصویر پردازی عمیق و زیبا نقض حقوق و آزادی و خشونت و وحشی‌گری در جامعه آن زمان به تصویر می‌کشد و از ذات شعری درون خود برای بیان تراژدی در قصیده خود استفاده می‌کند.

سیاست و جامعه جزء اساسی شعر شاملو می‌باشند سپس غزل و عشق در مرتبه دوم قرار می‌گیرند،^(۴۹) در برخی قصاید وی نمی‌توان میان جامعه و غزل تمییز داد زیرا دائم سعی می‌کند میان این دو موضوع اختلاط و خلط ایجاد کند و عشق و جامعه در برخی از قصاید وی از طریق تصویر پردازی‌های عمیق با یکدیگر تشکیل می‌شوند.^(۵۰)

شعر شاملو از "قدریکو گارسیا لورکا" شاعر اسپانیایی "لوئیس آراگون" فرانسوی و "لینگستون هیوز" آمریکایی تاثیر بسیاری گرفته است.^(۵۱)

مضامین شعری شاملو از عمق بی‌نظیر و زبانی بلیغ برخوردارند و غزل، حماسه و سیاست با یکدیگر گره خورده‌اند و انسان معاصر در بیشتر قصائد خود را حاضر و مخاطب اشعار شاملو می‌بیند.

نمادگرایی در شعر شاملو:

نماد درخت:

نمادگرایی در شعر شاملو فقط یک نماد گرایی ساده نیست و از احترام و جایگاه والایی برخوردار است، شاملو در یکی از قصاید خود به درخت متوسل می‌شود، گیاهان در شعر فارسی معاصر از تصاویر اسطوره‌ای و نمادین برخوردار می‌باشند که حتی انسان در وجود آنان حلول می‌کند. شاملو در شعرش، خود را زندانی روح گیاه و فرزند طبیعت می‌خواند و درخت را برادرش، شعرا را شاخه‌های جنگل، بهار را دهان، غنچه‌ها را قلب، برگهای درخت ناورن را چشمان، ساقه‌های نیلوفر^(۵۲) را شرایین و دست را برگهای پهن افرا (شبیه به دست) می‌داند.^(۵۳)

متن:

و من برگ و برکه نبودم
نه باد و نه باران
ای روح گیاهی !
تن من زندان تو بود
وعروس تازه
از روح درخت و باد و برکه بار گرفت
و من ای طبیعت مشقت آلوده ، ای پدر ! فرزند تو بودم^(۵۴)

متن:

خانه ها در معبر باد استوارند
درخت، در گذرگاه باد شوخ وقار می فروشد
درخت ، برادر من !
اینک تبردار از کورهرراه پرسنگ به زیر می آید^(۵۵)

متن:

امروز شعر حربه خلق است
زیرا که شاعران
خود شاخه ای ز جنگلِ خلقند
نه یاسمین و سنبل گل خانه فلان^(۵۶)

متن:

و از آن هنگام که سفر را لنگر بر گرفتیم

ابنک کلام تو بود از لبانی

که تکرار بهار و باغ است^(۵۷)

متن:

باید می گذاشتند غنچه قلبمان را بر شاخه های انگشت عشقی بزرگ تر بشکوفانیم

اما ظلم مشتعل

غنچه لبانت را سوزاند^(۵۸)

متن:

چون زاده شدم چشمانم به دو برگ نارون می مانست

رگام به ساقه نیلوفر دستانم به پنجه افرا^(۵۹)

نماد زن:

شاملو اعتقاد دارد که زن باید از طریق انسانیتش خود را در جامعه تحمیل کند، زن صاحب احساسی پاک و عاطفه ای سوزان می باشد، شاملو در آثار خود جایگاه زن را بالا می برد و وی را هم چون فرشته ای در جسم انسان می داند که وجود آن تاریکی را پاک می کند و بشارت بهشت و جاودانگی در آن را می دهد، زن از صفاتی برخوردار است که هیچ مردی از آن برخوردار نیست، صفاتی مانند ظرافت. به طور غالب شاملو بیشتر در خصوص ابعاد معنوی شخصیت زن تمرکز می کند همچنین با نمایش قصه حوری هایی که از سوی غول و شیطان محاصره شده اند، مواضع سنتی دربار زن در جامعه را به انتقاد می گیرد و معتقد است که زن باید جایگاهی والا در زندگی داشته باشد، زیرا زن در جامعه و در همه مراحل زندگی همراه خانواده است و به دیگران کمک می کند و قدرت تحمل سخت ترین مصیبت ها و فشارها را در ناگوارترین شرایط دارد.

متن:

ای پری وار در قالب آدمی
که پیکرت جز در خلواره ی
ناراستی نمی سوزد
حضورت بهشتی است
که گریز از جهنم را توجیه می کند^(۶۰)

متن:

قلبت چون پروانه یی
ظریف و کوچک و عاشق است
ای معشوقی که سرشار از زنانه گی
هستی و به جنسیت خویش غره ای
به خاطر عشقت^(۶۱)

متن:

یکی بود یکی نبود
زیر گنبد کبود
لخت و عورتنگ غروب سه تا پری
نشسته بود
زارو زار گریه می کردن پریا
گیس شون قد کمون رنگ شبق

از کمون بلن ترک از شبق مشکى ترک
روبه رو شون تو افق شهر غلامای اسیر
پشت شون سرد و سیا
قلعه ی افسانه ی پیر^(۶۲)

متن:

شما که عشقِ تان زنده گی ست
شما که خشمِ تان مرگ است
شما که برق ستاره ی عشق اید
در ظلمتِ بی حرارتِ قلب ها
وبه ما آموخته اید
و در تعب ها
شما که روح زندگی بی شما اجاقی است خاموش^(۶۳)

متن:

بیش ترین عشق جهان را به سوی تو می آورم
ای صبور
ای پرستار
ای مؤمن
پیروزی تو میوه حقیقتِ توست
رگبارها و برف را

به تحمل و صبر

شکستی

باش تا میوه ی غرورت برسد

ای زنی که صبحانه ی خورشید در پیراهن توست

باش تا میوه ی غرورت برسد

پیروزی عشق نصیب تو باد^(۶۴)

۱- زن مادر: شاملو به موضوع مادر بسیار اهمیت می دهد، مادر را تنها پدیده ای می داند که اشتیاق و عشق واقعی را بروز می دهد، و او را سرچشمه ایثار و فداکاری می داند. قصیده ای در مورد مادر (حریق قلعه ای خاموش) از مجموعه باغ آینه که در آن درد زایمان مادر و عمق آن شرح می کند.

متن:

زنی شب تا سحر گریید خاموش

زنی شب تا سحر نالید ، تا من

سحر گاهی برآرم دست وگرم

چراغی خُرد و آویزم به برزن

زنی شب تا سحر نالید و

افسوس !

مرا آن ناله ی خامش نیفروخت^(۶۵)

۲- زن همسر: از آنجایی که زن همسر را یک شریک حقیقی در زندگی روحانی و انسانی می داند، بر تعامل شایسته با وی تاکید می کند چرا که انسجام میان

زندگی روحانی و انسانی را ضروری می‌داند و به آن حتی در قرائت اشعار خود اولویت می‌دهد.

متن:

تا تو نخستین خواننده‌ی هر سرود نو باشی^(۶۶)

متن:

آقای وزن و خانم ایشان لغت

اگر هم رنگ و هم تراز هم نباشند

لاجرم محصول زندگی‌شان دل پسند نیست

مثل من و زن ام

من وزن بودم و او کلمات^(۶۷)

نتیجه:

از طریق این تحقیق تلاش کردیم نگاهی به مهم‌ترین شاعر عصر معاصر ایران بیاندازیم که توانست نوع جدیدی از شعر را بنا و روش خاصی برای آن ابداع کند، همچنین با توانایی بالای خود در شاعری توانست یک جهش بزرگ در شعر معاصر ایران ایجاد کند.

و شاملو راه را برای انتشار بسیاری از آثار شعری فارسی در محافل و مجالس بین المللی باز کرد، همچنین توانست شعر معاصر ایران را با اسلوبی زیبا و زیبایی آسان و بلاغتی منحصر به فرد بر جاده جهانی شعر سوار کند.

وی با بیان زیبایی‌ها و تصاویر طبیعت متأثر از نمادهای گیاهی در رمان‌های ایران، اسلام، مسیحیت، یونان، روم و یهود، موضوعات شعری متنوعی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

زن را با نمادگرایی شاعرانه‌اش، احساسات ناب و زیبایی روحش، مادر را به عنوان قلعه ای استوار، همسر را به عنوان شریک زندگی و نقش مهمش در واقعیت اجتماعی مخاطب قرار می‌دهد، همه این مسائل باعث شد که تجربه شعری شاملو کتابخانه ادبیات فارسی را غنی‌تر کند و میراث ادبی بزرگی پس از وی برجای بماند.

هوامش البحث

- (۱) لنگرودی: شمس، تاریخ تحلیلی شعر نو، المنشورات المركزية، تهران، ۱۹۹۱، ص ۱۲۰ ومابعدها.
- (۲) اصغری: محمد جعفر، دراسة مقارنة عن مفهوم الشعر في شعر عبدالوهاب البياتي واحمد شاملو، مجلة الكلية الإسلامية الجامعة، العدد ۴۷، ص ۱۹۸.
- (۳) الدهني: نسرین هاني، ترجمة شعر أحمد شاملو في الوطن العربي، مجلة الجمعية الإيرانية للغة العربية وآدابها - فصلية علمية محكمة، العدد ۴۳، تابستان ۱۳۹۶ هـ.ش / ۲۰۱۷ م، ص ۲۱۹.
- (۴) الدهني: نسرین هاني، استقبال الأدب الفارسي المعاصر في الوطن العربي، مركز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامي واتجاهاته، ط ۱، بيروت، ۲۰۰۸ م، ج ۱، ص ۹۶.
- (۵) اللوزي: محمد، ما وراء الكلمة (أنتولوجيا الشعر الفارسي المعاصر) سلسلة الترجمة، منشورات وزارة الثقافة والتّصال، الرباط، المملكة المغربية، (۲۰۰۲ م)، ص ۹۶.
- (۶) المصدر نفسه، ص ۲۲۰.
- (۷) كفته أو تكتل، (آزنوش: آذرتاش، فرهنگ معاصر (عربی - فارسی) بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس ور، تهران، نشر نی، ۱۳۹۱ هـ.ش. ص ۹۰۸).
- (۸) پاشایی، زندگی و شعر احمد شاملو (نام همه شعرهای تو)، مصدر سابق، ص ۳۱-۳۲.
- (۹) اللوزي، ما وراء الكلمة (أنتولوجيا الشعر الفارسي المعاصر)، مصدر سابق، ص ۳۱ - ۳۲.
- (۱۰) پاشایی، زندگی و شعر احمد شاملو (نام همه شعرهای تو)، مصدر سابق.
- (۱۱) المصدر السابق.

(۱۲) المصدر نفسه.

(۱۳) آهنگ‌های فراموش شده (۱۳۲۶ش): (العنوان باللغة الفارسية).

(۱۴) العناوين باللغة الفارسية: "آهن ها و احساس" ۱۹۴۷، "بیست و سه" ۱۹۴۸، "قطعه‌نامه" ۱۹۵۱، "هوای تازه" ۱۹۵۷، "باغ آینه" ۱۹۵۹، "آیدا در آینه" ۱۹۶۴، "لحظه ها و همیشه" ۱۹۶۸، "برگزیده اشعار" ۱۹۶۸، "مرثیه های خاک" ۱۹۶۹، "برگزیده شعرها" ۱۹۷۰، "شکفتن در مه" ۱۹۷۰، "ابراهیم در آتش" ۱۹۷۳، "دشنه در دیس" ۱۹۷۳، "ترانه های کوچک غربت" ۱۹۸۰.

(۱۵) پاشایی، زندگی و شعر احمد شاملو (نام همه شعرهای تو)، مصدر سابق، ص ۵۸۳.

(۱۶) طریق الكلمة: (المعنى باللغة العربية).

(۱۷) الدهني: نسرين هاني، ترجمة شعر أحمد شاملو في الوطن العربي، ص ۲۲۲.

(۱۸) المصدر السابق.

(۱۹) صديقي: كلثوم، خوبرد: حسن اعظمي، ژرفي: هانية: شهري: احمد رضا حيدريان، ملامح المدينة والمجتمع الإنساني عند عبدالوهاب البياتي وأحمد شاملو (دراسة تحليلية مقارنة)، مجلة بحوص في الأدب المقارن (فصلية علمية - محكمة)، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، کرمانشاه، السنة السابعة، العدد ۲۵، ربيع ۱۳۹۶ هـ.ش/ ۱۴۳۸ هـ.ق/ ۲۰۱۷ م، ص ۷۹-۹۴.

(۲۰) اصغري، دراسة مقارنة عن مفهوم الشعر في شعر عبدالوهاب البياتي واحمد شاملو، مصدر سابق، ص ۱۹۸.

(۲۱) المصدر السابق.

(۲۲) كدكني: محمدرضا شفيعي، در كوچه باغهای نیشابور، تهران، انتشارات رز، ۱۳۵۰ هـ.ش، ج ۱ ص ۷۴.

(۲۳) اصغری، دراسة مقارنة عن مفهوم الشعر في شعر عبدالوهاب البياتي واحمد شاملو، مصدر سابق، ص ۱۹۸.

(۲۴) جلالی: بهروز، قناری به روایت سوم؛ یاد، شناخت و گزینۀ اشعار احمد شاملو، ج ۱، تهران، روزگار، ۱۳۸۱ هـ.ش، ص ۱۱۱.

(۲۵) سرکسیان، آیدا همیشه (یاد نامه احمد شاملو)، تهران، نگاه، ۱۳۸۱ هـ.ش، ج ۱ ص ۵۹.

(۲۶) اصغری، دراسة مقارنة عن مفهوم الشعر في شعر عبدالوهاب البياتي واحمد شاملو، مصدر سابق، ص ۱۹۹.

- (۲۷) المصدر السابق
- (۲۸) تسلیمی: علي، گزاره هايی در ادبيات معاصر ايران (شعر)، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۱۲۰.
- (۲۹) اصغری، دراسة مقارنة عن مفهوم الشعر في شعر عبدالوهاب البياتي واحمد شاملو، مصدر سابق، ص ۲۰۲.
- (۳۰) المصدر نفسه.
- (۳۱) مختاري: محمد، انسان در شعر معاصر يا (درک حضور ديگری)، تهران، توس، ۱۳۷۱ ه.ش، ص ۲۹۸.
- (۳۲) اصغری، دراسة مقارنة عن مفهوم الشعر في شعر عبدالوهاب البياتي واحمد شاملو، مصدر سابق، ص ۲۰۲.
- (۳۳) برای انسان ماه بهمن، من مجموعه قطعنامه، ص ۷۹.
- (۳۴) المصدر نفسه.
- (۳۵) پاشایی، زندگی وشعر احمد شاملو (نام همه شعرهای تو)، مصدر سابق، ص ۵۹.
- (۳۶) دست‌غیب: علي، شاعر عشق و سپیده دمان، نقد و تحليل اشعار احمد شاملو، ۱۳۷۳ ه.ش، تهران، آمیتیس، ج ۱، ص ۱۴۳.
- (۳۷) محمد، محمد علی، گفتگو با احمد شاملو، محمود دولت آبادی، مهدی اخوان ثالث، تهران: روزگار، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۶۴.
- (۳۸) مهدی اخوان ثالث: ولد في مدينة مشهد عام ۱۳۰۷ ه.ش/۱۹۲۷ م، تخرج من ثانوية حرفية عام ۱۹۴۷ م، واشتغل لفترة في الحدادة وسجن عدة مرات، ونفي إلى كاشان، وعمل بعد ذلك في الإذاعة والتلفزيون في خوزستان، درس الشعر القديم والمعاصر في جامعة طهران وبقي فيها إلى أن تقاعد ۱۹۸۱ م تدور معظم أشعاره حول واقعيات العصر والمسائل الاجتماعية، توفي عام ۱۳۶۹ ه.ش/۱۹۹۰ م في طهران.
- (هامش: الدهني: نسرين هاني، ترجمة شعر أحمد شاملو في الوطن العربي، مصدر سابق، ص ۲۲۲).
- (۳۹) سهراب سبهي: ولد في مدينة كاشان عام ۱۳۰۷ ه.ش/۱۹۲۸ م تخرج في كلية الفنون الجميلة في جامعة طهران شعبة الرسم عام ۱۳۳۲ ه.ش/۱۹۵۳ م، سافر إلى دول عديدة وعرض فيها لوحاته،

كالهند واليابان وبعض الدول الأوروبية كفرنسا وإنجلترا. كان شاعرا إلى جانب كونه رساما، قام بترجمة بعض القصائد اليابانية إلى الفارسية. من خصائص شعره الخيال الحر. (المصدر نفسه)

(٤٠) فروغ فرخ زاد: ولدت عام ١٣١٢ هـ/ش ١٩٣٢م في طهران، من أشهر شاعرات إيران في العصر الحديث، تعلمت فن التصوير وعملت ممثلة في السينما والمسرح، ونالت جائزتين في التمثيل، أثار شعرها ضجة كبيرة بسبب جرأتها وتجاوزها التقاليد والخطوط الحمراء في تعبيراتها وأحاسيسها ومشاعرها وأفكارها.

توفيت في طهران إثر حادث سيارة عام ١٣٤٥ هـ/ش ١٩٦٦م (المصدر نفسه)

(٤١) علي اسفندياري: (١٣٧٦ هـ/س ١٨٩٦م - ١٣٣٨ هـ/ش ١٩٥٩) الملقب ب(نينا يوشيج)نسبة إلى مسقط رأسه "يوش" من إقليم مازندران، وهو رائد الشعر الإيراني المعاصر ومبتكر العشر الحديث. (المصدر نفسه)

(٤٢) زرقاني: سيد مهدي، چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران، ایران، ١٣٤٨ هـ.ش، ج ٢، ص ٥١٢.

(٤٣) الدهني: نسرین هانی، ترجمة شعر أحمد شاملو في الوطن العربي، مصدر سابق، ص ٢٢٢.

(٤٤) عزيزي: يوسف، إيران الحائرة بين الشمولية والديمقراطية، دارالكنوز الأدبية، ط ١، بيروت، لبنان، ٢٠٠١م، ٢١١.

(٤٥) اختياري: صاحب، وباقرزاده، أحمد شاملو شاعر شبانه ها و عاشقانه ها، چاپ اول، تهران، ایران، هيرمند، ١٣٨١ش: ٦١٧ص.

(٤٦) المصدر نفسه.

(٤٧) زرقاني، چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران، مصدر سابق، ١٣٤٨ هـ.ش، ج ٢، ص ٣٢٩.

(٤٨) بخيت: فاطمه، بيگدلی: سعيد بزرگ، نيكوبخت: ناصر، فكر: كبرى روشن، سيميائية العنوان في قصيدتي "شب گیر" لأحمد شاملو و"ليل يفيض من الجسد" لمحمود درويش (دراسة مقارنة)، مجلة العلوم الإنسانية الدولية، ٢٠١٣/٤٣٤ هـ.ق، العدد ٢٠ (١) ص ٣٣.

(٤٩) زرقاني، چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران، مصدر سابق، ١٣٤٨ هـ.ش، ج ٢، ص ٣٢٩.

(٥٠) المصدر السابق، ص ٣٣٠.

(٥١) الدهني: ترجمة شعر أحمد شاملو في الوطن العربي، مصدر سابق، ص ٢٢٥.

(٥٢) جنس نباتات مائية من الفصيلة النيلوفرية (المعجم الوسيط: ص ٨٦)

(٥٣) شجر كثير الأنواع يزرع بعضه للزينة (معجم الرائد: ص ٣٩)

- (۵۴) شاملو: أحمد، مجموعة آثار، دفتر یکم، شعرها، ط ۹، طهران، نگاه، ۲۰۱۰م، ص ۴۱۵.
- (۵۵) المصدر نفسه: ص ۳۷۰ - ۳۷۱.
- (۵۶) المصدر السابق: ص ۱۴۲.
- (۵۷) المصدر نفسه: ص ۵۹۸.
- (۵۸) المصدر نفسه: ص ۲۳۴.
- (۵۹) المصدر السابق: ص ۴۱۵.
- (۶۰) أحمد: شاملو، مجموعه اشعار، تهران، انتشارات، نگاه، ۱۳۸۵ه.ش، ج ۱ ص ۴۹۵.
- (۶۱) أحمد: شاملو، آه‌ن‌ها و احساس، تهران، انتشارات زمانه، ۱۳۷۴ه.ش، ص ۵۸.
- (۶۲) أحمد: شاملو، آید در آینه، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۲ه.ش، ص ۱۳۳.
- (۶۳) شاملو، مجموعه اشعار، ج ۱ ص ۱۳۹.
- (۶۴) شاملو: أحمد، آیدا، درخت خنجر و خاطره، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۷۹ه.ش، ص ۵۲.
- (۶۵) شاملو: أحمد، باغ آینه، تهران، انتشارات زمانه، ۱۳۷۹ه.ش، ص ۱۳۹.
- (۶۶) شاملو، مجموعه اشعار، ج ۱ ص ۶۷.
- (۶۷) المصدر نفسه، ج ۱، ص ۱۹۵.

فائمة المصادر والمراجع

- أحمد: شاملو، آه‌ن‌ها و احساس، تهران، انتشارات زمانه، ۱۳۷۴ه.ش.
- أحمد: شاملو، آید در آینه، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۲ه.ش.
- أحمد: شاملو، مجموعه اشعار، تهران، انتشارات، نگاه، ۱۳۸۵ه.ش، ج ۱.
- اختیاری: صاحب، ویاقر زاده، احمد شاملو شاعر شبانه‌ها و عاشقانه‌ها، چاپ اول، تهران، ایران، هیرمند، ۱۳۸۱ش.

- اصغري: محمد جعفر، دراسة مقارنة عن مفهوم الشعر في شعر عبد الوهاب البياتي وأحمد شاملو، مجلة الكلية الإسلامية الجامعة، العدد ٤٧.
- بخيت: فاطمه، بيگدلی: سعيد بزرگ، نیکوبخت: ناصر، فکر: کبری روشن، سیميائيّة العنوان في قصيدتي "شب گیر" لأحمد شاملو و "لیل یفیض من الجسد" لمحمود درويش (دراسة مقارنة)، مجلة العلوم الانسانية الدولية، ٢٠١٣/٤٣٤هـ.ق، العدد ٢٠ (١).
- پاشايی، زندگی و شعر احمد شاملو (نام همه شعرهای تو)، چاپ اول، تهران، ابران، (بهار ١٣٧٨ ش، هـ).
- تسليمي: علي، گزاره هایی در ادبيات معاصر ايران (شعر)، تهران، نشر اختران، ١٣٨٧هـ.ش.
- جلالی: بهروز، قناری به روایت سوم؛ یاد، شناخت وگزینه ی اشعار احمد شاملو، ج ١، تهران، روزگار، ١٣٨١ هـ.ش.
- دست غیب: علي، شاعر عشق وسپیده دمان، نقد وتحليل اشعار احمد شاملو، ١٣٧٣هـ.ش، تهران، آمیتیس، ج ١.
- الدهني: نسرین هاني، استقبال الأدب الفارسي المعاصر في الوطن العربي، مركز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامي و اتجاهاته، ط١، بيروت، ٢٠٠٨م، ج ١.
- الدهني: نسرین هاني، ترجمة شعر احمد شاملو في الوطن العربي، مجلة الجمعية الإيرانية للغة العربية وآدابها - فصلية علمية محكمة، العدد ٤٣، صيف ١٣٩٦ هـ. ش / ٢٠١٧م.
- زرقاني: سيد مهدي، چشم انداز شعر معاصر ايران، تهران، ايران، ١٣٨٤ ش. هـ، ج ٢.
- سرکيسيان، آيدا همیشه (ياد نامه احمد شاملو)، تهران، نگاه، ١٣٨١هـ. ش، ج ١.
- شاملو: أحمد، آيدا، درخت خنجر وخاطره، تهران، انتشارات مرواريد ١٣٧٩هـ.ش.
- شاملو: أحمد، باغ آينه، تهران، انتشارات زمانه، ١٣٧٩هـ.ش.
- شاملو: أحمد، مجموعة آثار، دفتر يك، شعرها، ط ٩، طهران، نگاه، ٢٠١٠م.
- صديقي: كلثوم، خويد: حسن اعظمي، ژرفي: هانية: شهري: احمد رضا حيدريان، ملامح المدينة و المجتمع الإنساني عند عبد الوهاب البياتي و أحمد شاملو (دراسة تحليلية مقارنة)، مجلة بحوث في

- الأدب المقارن (فصلية علمية - محكمة)، كلية الآداب و العلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، السنة السابعة، العدد ٢٥، ربيع ١٣٩٦ هـ. ش / ١٤٣٨ هـ. ق / ٢٠١٧ م.
- عزیزی، یوسف، ایران الحائرة بین الشمولية و الديمقراطية، دار الكنوز الادبية، ط١، بیروت، لبنان، ٢٠٠١ م.
 - کدکنی: محمد رضا شفیعی، درکوجه باغهای نشابور، تهران، انتشارات رز، ١٣٥٠ هـ. ش، ج ١.
 - آذرینوش: آذرتاش، فرهنگ معاصر (عربی - فارسی) براساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس ور، تهران، نشرنی ١٣٩١ ش. ه .
 - لنکرودی: شمس، تاریخ تحلیلی شعرنو، المنشورات المركزية، طهران، ١٩٩١.
 - اللوزي: محمد، ما وراء الكلمة (أنتولوجيا الشعر الفارسي المعاصر) سلسلة التّرجمة، منشورات وزارة الثقافة والتّصال، الرّباط، المملكة المغربية، (٢٠٠٢ م).
 - محمد، محمد علي، گفتگو با أحمد شاملو، محمود دولت آبادی، مهدی اخوان ثالث، تهران: روزگار، ١٣٨٣ هـ. ش.
 - معجم الرائد.
- ٢٦- المعجم الوسيط